

## بررسی رابطه قناعت و ثروت در قرآن و روایات

محمد قربانزاده<sup>۱</sup>، و عمران حیدر<sup>۲</sup>

### چکیده

قناعت و ثروت، دو مفهوم بنیادین در نظام اخلاقی و اقتصادی اسلام هستند که در آیات قرآن و متون روایی حضوری پررنگ دارند. این پژوهش در پی آن است که با روش تحلیلی-توصیفی، به بررسی رابطه‌های چهارگانه میان قناعت و ثروت بپردازد: تساوی، تعارض، عموم و خصوص من وجه، و تأثیر. نتایج نشان می‌دهد که قرآن و روایات، ثروت را در ذات خود نه تنها مذموم نمی‌دانند، بلکه آن را در کنار قناعت، عنصری برای تعالی بشر معرفی می‌کنند، مشروط بر آنکه همراه با زهد، توکل و هدف‌گیری الهی باشد. قناعت نه مانعی برای ثروت، بلکه سازوکاری درونی برای مدیریت صحیح آن است.

**کلیدواژه‌ها:** قناعت، ثروت، غنا، تکاثر، فقر

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان  
۲. نویسنده مسئول، دانش‌پژوه مقطع کارشناسی ارشد مدرسه عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی خراسان



### مقدمه

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی اسلام، ترسیم نسبت میان «قناعت» به‌عنوان فضیلتی درونی و «ثروت» به‌عنوان ابزاری بیرونی برای زندگی دنیوی است. اگرچه در ظاهر، قناعت و ثروت در تقابل با یکدیگر قرار دارند، اما تأمل در آیات و روایات، نشان می‌دهد که این دو می‌توانند در رابطه‌ای هم‌افزا نیز قرار گیرند. قرآن کریم، ضمن هشدار درباره‌ی خطرات حب دنیا، در عین حال از نعمت‌های مادی به‌عنوان ابزار آزمایش و زمینه‌ی شکر یاد می‌کند: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص، ۷۷). قناعت، روحی است که انسان را از حرص و طمع حفظ می‌کند و او را به بهره‌برداری متعادل از مال سوق می‌دهد، درحالی‌که ثروت، خود می‌تواند ابزار رشد یا انحراف باشد. این مقاله به بررسی رابطه‌های چهارگانه میان این دو مفهوم خواهد پرداخت.

### تعریف مفهومی قناعت و ثروت

#### قناعت

قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت بشر، هم به بعد مادی زندگی انسان توجه دارد و هم به رشد معنوی و اخلاقی او. در این میان، دو مقوله قناعت و ثروت، جایگاه ویژه‌ای در تربیت اقتصادی و اخلاقی انسان در قرآن دارند. قرآن نه‌تنها بهره‌مندی از ثروت را نکوهش نمی‌کند، بلکه آن را نعمتی از جانب خداوند می‌داند، اما با تأکید بر کنترل نفس و اجتناب از حرص و طمع، قناعت را مایه‌ی آرامش و رشد معرفی می‌کند. در اصطلاح دینی، قناعت نوعی فضیلت اخلاقی و ملکه‌ی نفسانی شمرده می‌شود که فرد را به اطمینان خاطر و آرامش در بهره‌مندی از نعمت‌های حلال و موجود سوق می‌دهد، بدون آنکه در بی‌انبات و اسراف برآید. در قرآن اگرچه واژه «قناعت» به‌صراحت به کار نرفته، اما مفاهیمی همچون زهد، رضا، اکتفا و عدم حرص به‌عنوان مصادیق قناعت معرفی شده‌اند؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ...» (حدید، ۲۳).

یعنی: «تا بر آنچه از دست داده‌اید اندوهگین نشوید و به آنچه به شما داده شده، دلبسته و سرمست نگردید.» این آیه نوعی تعادل روحی را معرفی می‌کند که از ویژگی‌های اهل قناعت است. از منظر روایی نیز قناعت به‌عنوان ثروتی بی‌پایان توصیف شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «القنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ»؛ یعنی: «قناعت، ثروتی است که هرگز پایان نمی‌پذیرد (نهج‌الفصاحه، ح ۳۲۰۴). از این رو قناعت نه به‌معنای فقر یا ترک تلاش، بلکه به‌معنای نفی حرص و حفظ کرامت درون در برابر مال است.

#### ثروت

ثروت در لغت به دارایی، مال، دارا بودن اشیای ارزشمند و سرمایه تعبیر شده است. ریشه آن در عربی از «ثَرَوَةٌ» به‌معنای انباشت دارایی و برخورداری از مال گرفته شده است (فراهیدی، بی‌تا، ج. ۸، ص. ۳۵۰).

ثروت شامل همه نعمت‌های مادی می‌شود که در تملک یا تصرف فرد است؛ از زمین و طلا گرفته تا دام، تجارت و درآمد.

در قرآن کریم واژه‌هایی همچون مال، کنز، نعمت و رزق دلالت بر جنبه‌های گوناگون ثروت دارند. خداوند متعال در سوره آل عمران می‌فرماید: *زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ...* (آل عمران، ۱۴)؛ یعنی: «دوست‌داشتنی‌های زندگی برای مردم زینت داده شده است؛ از جمله زنان، فرزندان، انباشته‌های زر و سیم...» که نشان می‌دهد ثروت در نگاه قرآن نعمتی طبیعی و میل به آن فطری است، اما باید در چارچوب هدایت الهی مصرف گردد. از نگاه روایات نیز ثروت ابزاری برای آزمایش انسان معرفی شده است، چنان‌که امام صادق (ع) فرمود: *إِنَّ الْمَالَ وَالْبَنُونَ فِتْنَةٌ*؛ یعنی: همانا مال و فرزندان وسیله آزمایش‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۲۷۶).

بنابراین، ثروت در نگاه دینی ارزش‌محور است؛ نه به‌خاطر خود، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تقرب به خداوند و خدمت به خلق.

قناعت، فضیلتی درونی و جهت‌دار است که نگاه انسان را از تمرکز بر کمیت ثروت به کیفیت بهره‌مندی سوق می‌دهد. ثروت، در مقابل، یک ابزار بیرونی و مادی است که در صورت عدم مهارت توسط عقل و ایمان، می‌تواند به وابستگی و فساد منجر شود. رابطه این دو مفهوم را باید در ترازوی اخلاقی قرآن و سنت سنجید.

### دیدگاه قرآن نسبت به قناعت و ثروت:

#### ثروت؛ نعمت یا آزمون؟

در قرآن، ثروت گاه به‌عنوان نعمت الهی معرفی شده، چنان‌که خداوند می‌فرماید: *هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...* (بقره، ۲۹)؛ یعنی: «اوست که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید.» این آیه به‌روشنی مالکیت حقیقی خدا و تملک اعتباری انسان را بیان می‌کند، به‌گونه‌ای که بهره‌گیری از دارایی‌های مادی در چهارچوب حلال، بلامانع بلکه توصیه شده است.

در مقابل، در آیات دیگر ثروت به‌عنوان فتنه و ابزار آزمایش یاد شده است: *إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ...* (تغابن، ۱۵)؛ یعنی: «همانا اموال و فرزندان شما آزمونی برای شما هستند.» این نگاه قرآنی نشان می‌دهد که ثروت ذاتاً نه مطلوب مطلق است و نه مذموم مطلق، بلکه بستگی به نوع استفاده و نیت صاحب آن دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۹، ص. ۲۵۴).

#### قناعت؛ حالت درونی مؤمنان

قرآن گرچه واژه «قناعت» را به‌طور مستقیم به کار نبرده، اما در آیات متعدد با بیانی اخلاقی و ارزشی، انسان را به دوری از حرص و دنیاگرایی و به رضایت از روزی الهی دعوت می‌کند. خداوند می‌فرماید: *وَلَا تَمَنَّ عَيْنِيكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...* (طه، ۱۳۱)؛ یعنی: «چشمانت را به آنچه گروه‌هایی از آنان را با آن بهره‌مند کردیم، مدوز.»



این آیه ناظر بر حالت درونی «رضایت» از وضع موجود است که شاخصه اصلی قناعت به شمار می‌رود و انسان را از چشم‌داشت به دارایی دیگران بازمی‌دارد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج. ۷۰، ص. ۳۱۰). همچنین در آیه دیگری خداوند تنگ‌دستان را به حفظ کرامت و خویش‌داری فرا می‌خواند: *يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ...* (بقره، ۲۷۳) یعنی: «ناآگاهان آنان را به سبب خویش‌داری، بی‌نیاز می‌پندارند.» تعفف، نزدیکی معنایی بسیار زیادی با قناعت دارد و نشانگر روحیه بی‌نیازی در عین تنگدستی است.

### تعادل میان دنیا و آخرت

قرآن مؤمنان را نه به ترک دنیا دعوت کرده و نه به غرق‌شدن در مال و منال. بلکه همواره بر اعتدال اقتصادی تأکید دارد. در آیه‌ای کلیدی، آمده است: *وَأَتَّبِعْ فِيمَا أَتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا...* (قصص، ۷۷) یعنی: و با آنچه خداوند به تو داده، سرای آخرت را طلب کن، و بهره‌ات از دنیا را فراموش مکن.

این دستور قرآنی نشان می‌دهد که دنیا و ثروت اگر در جهت اخروی تنظیم شوند، نه تنها مذموم نیستند، بلکه موجب تعالی‌اند. قناعت در چنین سیاقی به معنای تنظیم میل‌های مادی و کنترل مصرف‌گرایی تلقی می‌شود (فخر رازی، بی‌تا، ج. ۲۴، ص. ۵۵).

### خطر وابستگی به مال

قرآن در موارد متعددی نسبت به وابستگی شدید به ثروت هشدار داده است، از جمله در سوره همزه آمده است: *الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ \* يُحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ...* (همزه، ۲-۳)؛ یعنی: «کسی که مال گرد آورد و پیوسته آن را شماره کرد، گمان می‌برد که مالش او را جاودانه خواهد کرد.»

این آیه ناظر به فریفتگی ناشی از ثروت است، حالتی که نقطه مقابل قناعت به‌عنوان فروتنی و بی‌نیازی درونی قرار دارد.

از مجموع آیات قرآن کریم قناعت را شرط اصلی سلامت روان، تقرب معنوی و رفتار اقتصادی سالم معرفی می‌کند، درحالی‌که ثروت، در صورت بی‌مهاری، به منبع غفلت، طغیان و انحراف می‌انجامد. قرآن خواستار آن است که انسان میان برخورداری مشروع و قناعت اخلاقی، تعادلی عادلانه برقرار سازد.

### رابطه تساوی (تطابق کامل میان قناعت و ثروت)

در برخی موارد، قناعت و ثروت در یک معنا یا در یک مصداق خاص بر یکدیگر منطبق می‌شوند؛ یعنی فردی ثروتمند است و در عین حال قانع نیز هست. این حالت هرچند نادر، ولی از نظر قرآنی و روایی ممکن و مطلوب است.

قرآن کریم حضرت سلیمان (ع) را نمونه‌ای از این نوع افراد معرفی می‌کند که با آنکه از ثروت گسترده‌ای برخوردار بود، اما هرگز آن را ابزار طغیان و دنیاطلبی قرار نداد: *قَالَ رَبُّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي...* (ص، ۳۵) ایشان ضمن آنکه دارای ملکی بی‌نظیر بود، تمام قدرت خود را در خدمت هدایت مردم و اجرای عدالت الهی قرار داد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۷، ص. ۱۶۷).

در روایات نیز آمده است که «لیس الغنی عن كثرة العرض، ولكن الغنی غنی النفس»؛ یعنی: «بی‌نیازی، به زیادت مال نیست، بلکه بی‌نیازی، بی‌نیازی نفس است» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷).  
در این بیان، قناعت به‌عنوان «غناى نفس» مساوی با بی‌نیازی واقعی شمرده شده است.  
بنابراین، در نگاه توحیدی، تساوی مفهومی میان قناعت و ثروت هنگامی تحقق می‌یابد که ثروت در کنار روحیه قناعت به کار گرفته شود؛ یعنی مالکیت مادی در کنار مالکیت بر نفس.

### رابطه تعارض

در بسیاری موارد، میان قناعت و ثروت تعارض و تضاد دیده می‌شود. این تعارض زمانی رخ می‌دهد که ثروت‌طلبی انسان را به حرص، طمع، تکاثر و اسراف سوق دهد؛ درحالی‌که قناعت انسان را به خویشتن‌داری، اعتدال و رضایت به حد کفاف فرامی‌خواند.

خداوند در قرآن از طایفه‌ای یاد می‌کند که دچار حب مال و تکاثر شدند: **أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ \* حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ** (تکاثر، ۱-۲)؛ یعنی: تکاثر شما را مشغول داشت، تا آنکه به قبرها رسیدید. در این وضعیت، دنیاپرستی و حرص، انسان را از ارزش‌های توحیدی دور ساخته و او را در تضاد با قناعت قرار می‌دهد (فخر رازی، بی‌تا، ج. ۳۲، ص. ۲۱۲).

در روایتی از امام علی (ع) آمده است: **الحرص مفتاح التعب**؛ یعنی: «حرص، کلید رنج است. (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا، ج. ۲۰، ص. ۲۷۰).»  
اینجا روشن است که طمع به مال، با قناعت که نوعی آرامش و رضایت است، در تضاد کامل است.

### رابطه عموم و خصوص من وجه

در تحلیل دقیق‌تری، قناعت و ثروت رابطه‌ای از نوع عموم و خصوص من وجه دارند؛ یعنی در برخی موارد هر دو با هم جمع می‌شوند، در برخی موارد فقط قناعت هست بدون ثروت، و در برخی فقط ثروت بدون قناعت، و در مواردی هیچ‌کدام یافت نمی‌شود.

- مورد اجتماع: ثروتمندی که قناعت دارد؛ مانند حضرت خدیجه (س) که با وجود ثروت فراوان، تمام دارایی‌اش را در راه پیامبر اکرم (ص) انفاق کرد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج. ۱۶، ص. ۳).
  - مورد افتراق اول: انسان قانع فقیری که چیزی ندارد ولی روحش غنی است؛ مانند اصحاب صفه.
  - مورد افتراق دوم: انسان ثروتمندی که حریص و دنیاپرست است؛ مانند قارون که مالش را مایه برتری خود می‌دانست: **إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي...** (قصص، ۷۸)
  - مورد فقدان هر دو: انسانی فقیر که قناعت نیز ندارد و دائم در حسرت و حرص زندگی می‌کند.
- این نوع رابطه بیانگر پیچیدگی رفتارهای اقتصادی و اخلاقی انسان در نظام دینی است.



## رابطه تأثیر

قناعت و ثروت در برخی جهات، تأثیر متقابل نیز دارند. از یک سو، قناعت می‌تواند بر نوع کسب، مصرف و توزیع ثروت اثر بگذارد؛ زیرا انسان قانع به حلال بسنده می‌کند و در دام گناه و حرام نمی‌افتد. از سوی دیگر، ثروت نیز می‌تواند بر روحیه قناعت یا حرص اثر بگذارد؛ اگر فرد در تربیت الهی رشد نکرده باشد، مال، او را دچار طغیان خواهد کرد.

قرآن هشدار می‌دهد: *كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ \* أَن رَّاهُ اسْتَغْنَىٰ. (علق، ۷۶)*

یعنی: همانا انسان طغیان می‌کند، وقتی خود را بی‌نیاز ببیند. بنابراین، ثروت می‌تواند زمینه‌ساز طغیان شود، مگر آنکه روح قناعت، آن را مهار کند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۱۰، ص. ۵۴۰).  
از سوی دیگر، قناعت می‌تواند اثر تربیتی گسترده‌ای بر نوع نگاه انسان به مال بگذارد. در دعای مکارم‌الاخلاق امام سجاد (ع) می‌خوانیم: *وَقَنَّعِنِي بِمَا رَزَقْتَنِي*؛ یعنی: مرا به آنچه روزی‌ام کرده‌ای قانع گردان (سید بن طاووس، بی‌تا، دعای مکارم‌الاخلاق).

این جمله نشان می‌دهد که قناعت، زمینه‌ساز رضایت، آرامش و امنیت روانی در زندگی است. تساوی: در برخی مصادیق، ثروت با روح قناعت همراه است.  
تعارض: حرص و طمع ناشی از ثروت با قناعت در تضاد است.  
عموم و خصوص من وجه: گاه قناعت هست بدون ثروت یا برعکس، گاه هر دو یا هیچ کدام. گاه قناعت بر ثروت اثر می‌گذارد و بالعکس، به شرط وجود یا فقدان تربیت الهی.

## بررسی تطبیقی آیات و روایات

در سنت تفسیری اسلامی، بررسی تطبیقی میان آیات و روایات، یکی از شیوه‌های مؤثر در تبیین مفاهیم دینی است. در بحث قناعت و ثروت نیز، آموزه‌های قرآنی و روایی مکمل یکدیگرند و با هم تصویری جامع از رویکرد دین به این دو مقوله ارائه می‌دهند. در این بخش، به تطبیق محورهای اصلی بحث با برخی آیات و روایات منتخب پرداخته می‌شود.

### قناعت و ثروت در آیات: مبنای توحیدی و اجتماعی

قرآن کریم قناعت را نه به‌عنوان کم‌طلبی، بلکه به‌عنوان نوعی نگاه توحیدی و توکل‌محوری معرفی می‌کند؛ انسان مؤمن، رزق را از خداوند می‌داند و از طریق حلال به آن قانع است: *وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ (ذاریات، ۲۲)* (رزق شما در آسمان است و آنچه وعده داده شده‌اید)؛ یعنی رزق حقیقی از جانب خداوند نازل می‌شود و فرد مؤمن باید با توکل به این رزق قانع باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج. ۱۸، ص. ۳۲۸).

در مقابل، درباره ثروت، قرآن دو نگرش متفاوت دارد:

الف) اگر ثروت با تقوا همراه باشد، مایه خیر است؛

ب) اگر با دنیاطلبی و غرور آمیخته باشد، مایه هلاکت است.

در آیه‌ای دیگر آمده است: **وَ اَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللهُ الدَّارَ الْاٰخِرَةَ وَ لَا تَسْ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا (قصص، ۷۷)** و با آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بجوی و بهره‌ات از دنیا را نیز فراموش مکن؛ این آیه توازن میان دنیا و آخرت را تأیید می‌کند و نگاه متعادل به ثروت را مطرح می‌سازد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۷، ص. ۴۵۲).

### قناعت و ثروت در روایات: شاخص ایمان و اخلاق

در منابع روایی، قناعت از ارکان ایمان و از صفات مؤمن شمرده شده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «أكرم السيم القناعة»: با ارزش‌ترین خوی، قناعت است (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۲). امام سجاد (ع) نیز در دعای مکارم‌الاخلاق از خداوند درخواست می‌کند که: «وَ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي» مرا به آنچه روزی‌ام کرده‌ای قانع گردان (سید بن طاووس، بی‌تا، دعای مکارم‌الاخلاق). این دعا نشان می‌دهد که قناعت، روحیه‌ای اختیاری و برآمده از تربیت الهی است. اما در کنار آن، احادیث فراوانی نسبت به خطرات ثروت نیز هشدار داده‌اند. از رسول خدا (ص) روایت شده است: **إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةٌ، وَ فِتْنَةُ أُمَّتِي الْمَالُ؛** برای هر امتی فتنه‌ای است و فتنه امت من، مال است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج. ۷۳، ص. ۳). در روایت دیگری، امام علی (ع) می‌فرماید: **الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارٌ مَقَرٌّ؛** دنیا، خانه گذر است، نه جای ماندن (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج. ۷۳، ص. ۳).

### تطبیق روایات با آیات: قناعت، سد طغیان ثروت

یکی از مهم‌ترین اهداف قرآن و اهل‌بیت (ع)، آموزش نوعی رابطه کنترل‌شده با دنیا و ثروت است؛ جایی که قناعت نقش «ترمز» حرص و طغیان را ایفا می‌کند. در آیه‌ای آمده است: **إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ طَٰغِيٌّ \* أَن رَّأَهُ اسْتَعْتَنَى (علق، ۷۶)** بی‌گمان انسان طغیان می‌کند، آن‌گاه که خود را بی‌نیاز ببیند؛ این بی‌نیازی، همان ثروت بدون قناعت است که انسان را به طغیان می‌کشاند (فخر رازی، بی‌تا، ج. ۳۲، ص. ۴۵۱). در تأیید این معنا، امام صادق (ع) می‌فرماید: **مَنْ قَنَعَ اسْتَعْنَى، وَ مَنْ لَمْ يَقْنَعْ لَمْ يَغْنَهُ شَيْءٌ؛** هر که قناعت کند، بی‌نیاز شود، و هر که قانع نباشد، هیچ‌چیز او را بی‌نیاز نمی‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۱۴۶).

بنابراین، آموزه‌های روایی نقش تربیتی قناعت را در مواجهه با آثار منفی ثروت تقویت می‌کنند و بر کنترل میل به دنیا تأکید دارند.

### تأثیر متقابل آیات و روایات در اصلاح نگرش اقتصادی

آیات قرآن چارچوب کلان و معرفتی در باب رزق و مال ارائه می‌دهند و روایات اهل‌بیت (ع) آن را به سطح اخلاق عملی و رفتار روزمره فردی و اجتماعی می‌کشانند. برای نمونه، قرآن رزق را مقدر و محدود می‌داند: **إِنَّ رَبَّكَ يُبْسِطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ (اسراء، ۳۰)** یعنی خداوند رزق را گسترش یا تنگی می‌دهد. و امام صادق (ع) می‌فرماید:



اعمل لدنیاک کأنک تعیش أبدا، و اعمل لاخرتک کأنک تموت غدا؛ برای دنیای خود چنان کار کن که گویی همیشه زنده‌ای، و برای آخرت چنان عمل کن که گویی فردا خواهی مرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۱۴۶).

این تعامل میان قرآن و روایت، نگاهی متعادل به دنیا، قناعت و ثروت را ترسیم می‌کند؛ نگاهی که نه تنها دنیاگریزی صوفیانه است و نه دنیاطلبی مادی‌گرایانه، بلکه مبتنی بر تربیت توحیدی است. قرآن بر اصل رزاقیت الهی، خطر طغیان مال، و دعوت به اعتدال اقتصادی تأکید دارد. روایات اهل بیت (ع) قناعت را اخلاقی می‌سازند، ثروت را به نیت و استفاده گره می‌زنند، و حرص را محکوم می‌کنند. مجموع این دو منبع، یک الگوی دینی منسجم برای مدیریت روانی و اقتصادی ثروت ارائه می‌دهند.

### نتیجه‌گیری

بررسی رابطه میان قناعت و ثروت در آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) نشان می‌دهد که دین اسلام نه ثروت را به صورت مطلق رد کرده و نه قناعت را به معنای کناره‌گیری از دنیا و ترک تلاش معرفی نموده است. بلکه، نظام اقتصادی اسلام بر سه اصل بنیادین استوار است: توحید در رزق، اعتدال در کسب، و تزکیه در مصرف.

قناعت در فرهنگ اسلامی نه به معنای فقر، که به معنای رضایت درونی، بی‌نیازی روانی، و مقاومت در برابر حرص و طمع است. بر اساس روایت امام صادق (ع): «من قنع استغنی؛ هر که قناعت کند، بی‌نیاز گردد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۱۴۶). این بی‌نیازی، ریشه در معرفت توحیدی دارد که انسان رزق را مقدر و مشیت الهی می‌داند، نه حاصل طمع و حرص.

ثروت نیز، چنان که قرآن در آیه «وَأَبْتَعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ» (قصص، ۷۷) تصریح می‌فرماید، می‌تواند وسیله تقرب به خدا باشد، مشروط بر اینکه در راه حلال به دست آید و در راه خیر به کار گرفته شود. اما اگر از قید اخلاق و معنویت جدا شود، به عاملی برای طغیان و فساد بدل می‌گردد، چنان که قرآن در سوره علق هشدار می‌دهد: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ \* أَلَمْ يَرَأْهُ اسْتَخْفَىٰ \* أَن رَّاهُ اسْتَعْجَىٰ» (علق، ۷-۶).

از تطبیق این معارف می‌توان نتیجه گرفت که قناعت نه نقطه مقابل ثروت، بلکه مکمل و ضامن سلامت آن است. قناعت به ثروت معنا می‌دهد و آن را در مسیر اخلاقی و انسانی نگه می‌دارد. بر این اساس، چهار نوع رابطه میان این دو مفهوم در منابع اسلامی قابل شناسایی است:

در رابطه تساوی، برخی آیات و روایات قناعت را نوعی بی‌نیازی واقعی دانسته‌اند که در کنار ثروت قرار می‌گیرد، مانند روایت «القناعة كنز لا یفنی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۱۴۶).

در رابطه تعارض، روایاتی یافت می‌شود که میان حرص بر ثروت و قناعت تضاد ماهوی قائلانند، مانند روایت رسول خدا (ص): «فتنة أمتی المال» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج. ۷۳، ص. ۳).

در رابطه عموم و خصوص من وجه، مواردی یافت می‌شود که قناعت و ثروت می‌توانند در برخی افراد با هم جمع شوند و در برخی جدا باشند.

در رابطه تأثیر، قناعت به‌عنوان عامل کنترل‌گر برای ثروت معرفی می‌شود؛ یعنی قناعت تأثیر تربیتی و اعتدالی بر نحوه کسب و مصرف ثروت دارد.

نهایتاً، رویکرد اسلام به ثروت، رویکردی معرفتی و اخلاقی است که در پرتو آموزه‌های قرآن و سنت می‌توان آن را چنین خلاصه کرد:

«نه ثروت محکوم است و نه فقر مطلوب؛ بلکه آنچه اصالت دارد، سلامت نفس، قناعت قلب، و رعایت عدالت در مصرف و انفاق است.»



## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (تصحیح صبحی صالح؛ بیروت: دارالهجره)
- نهج الفصاحه
- آمدی، عبدالله بن محمد. (۱۴۰۵ق). *غرر الحکم و درر الکلم* (چاپ چهارم). قم: دارالکتب الاسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۵ق). *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*. بیروت: دارالفکر.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۳ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. قم: نشر ناصر خسرو.
- علامه مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- کلبنی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی* (چاپ دوم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ایچی، عضدالدین عبد الرحمن. (۱۴۱۰ق). *المواقف فی علم الکلام*. قم: مکتبه بصیرتی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴ش). *تفسیر المیزان* (ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۷ق). *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- قمی، عباس. (۱۳۶۳ش). *سفینه البحار*. تهران: مؤسسه دارالکتاب.
- نراقی، ملا احمد. (۱۳۷۷ش). *جامع السعادات*. قم: دارالکتاب.